

افزایش ظرفیت تولید نفت ایران

ظرفیت تولید روزانه نفت خام کشور در ۲سال گذشته حدود ۸/۳درصدافزایش یافته است؛ با این حال، ادامه رشد تولید به تکمیل طرح‌های توسعه‌ای، تأمین مالی و تقویت زیرساخت‌های فرآورش و انتقال نفت وابسته است.ظرفیت تولید روزانه نفت خام ایران از ۳میلیون و ۴۳۰هزار بشکه در شهریور ۱۴۰۳ به ۳میلیون و ۷۱۵هزار بشکه در مهر ۱۴۰۵ رسیده است. به این ترتیب، ظرفیت تولید نفت کشور در این دوره ۲۸۵هزار بشکه در روز افزایش یافته؛ رشدی که در شرایط ادامه تحریم‌ها و محدودیت‌های مالی و فناوری به‌دست آمده است. همچنین، طبق آمار اعلام‌شده، تولید نفت در مهر امسال نسبت به‌ماه مشابه سال گذشته روزانه ۵۵هزار بشکه بیشتر شده است.

احیای چاه‌ها و توسعه میدان‌های نفتی

بخشی از برنامه افزایش تولید نفت بر استفاده بهتر از ظرفیت‌های موجود، احیای چاه‌های کم‌بازده و توسعه میدان‌های نفتی متمرکز شده است. در همین چارچوب، طرحی با هدف افزایش روزانه ۲۵۰هزار بشکه‌ای تولید نفت خام و سرمایه‌گذاری ۲میلیارد دلاری تعریف شده که تاکنون ۷۰هزار بشکه در روز از هدف آن محقق شده است؛ یعنی حدود ۲۸درصد از هدف طرح.تأمین مالی این برنامه قرار است از ۲ محل انجام شود: ۸۰درصد از منابع صندوق توسعه ملی و ۲۰درصد از منابع داخلی شرکت ملی نفت ایران.در بخش توسعه میدان‌ها نیز قرار دادهای مربوط به آزادگان، آذر، چنگوله و بند کرخه با مجموع سرمایه‌گذاری حدود ۱۳میلیارد یورو به مرحله تنفیذ رسیده‌اند. اجرای این طرح‌ها می‌تواند زمینه افزایش ظرفیت تولید در سال‌های آینده را فراهم کند، هر چند میزان تحقق این ظرفیت به پیشرفت اجرای پروژه‌ها و تأمین بموقع منابع مالی وابسته است.

افزایش ظرفیت فرآورش و حفاری

رشد تولید نفت فقط به استخراج از چاه‌ها محدود نمی‌شود و به امکانات لازم برای فرآورش و انتقال نفت نیز نیاز دارد. برای پاسخگویی به نیازهای داخلی و عرضه نفت در بازارهای صادراتی تقویت کند؛ اما ظرفیت ایجادشده به‌تنهایی به‌ممنای افزایش قطعی فروش و درآمد نیست. پایداری تولید، امکان فرآورش و انتقال، وضعیت فروش و وصول درآمد، سرعت اجرای پروژه‌ها، سرمایه موردنیاز برای نگهداری میدان‌ها، در تبدیل این ظرفیت به درآمد واقعی نقش تعیین‌کننده دارند.از این رو، نتیجه‌نهایی برنامه توسعه صنعت نفت تنها با میزان ظرفیت اعلام‌شده سنجیده نمی‌شود؛ سرعت اجرای پروژه‌ها، افزایش تولید عملی و توان فروش نفت نیز باید در ارزیابی عملکرد این بخش مورد توجه قرار گیرد.

افزایش ظرفیت، شرط لازم برای درآمد بیشتر

افزایش ظرفیت تولید نفت می‌تواند قدرت عملیاتی کشور را برای پاسخگویی به نیازهای داخلی و عرضه نفت در بازارهای صادراتی تقویت کند؛ اما ظرفیت ایجادشده به‌تنهایی به‌ممنای افزایش قطعی فروش و درآمد نیست. پایداری تولید، امکان فرآورش و انتقال، وضعیت فروش و وصول درآمد، سرعت اجرای پروژه‌ها، سرمایه موردنیاز برای نگهداری میدان‌ها، در تبدیل این ظرفیت به درآمد واقعی نقش تعیین‌کننده دارند.از این رو، نتیجه‌نهایی برنامه توسعه صنعت نفت تنها با میزان ظرفیت اعلام‌شده سنجیده نمی‌شود؛ سرعت اجرای پروژه‌ها، افزایش تولید عملی و توان فروش نفت نیز باید در ارزیابی عملکرد این بخش مورد توجه قرار گیرد.

رشد ظرفیت تولید نفت	
ظرفیت تولید روزانه نفت کشور حدود ۸/۳درصد افزایش یافته است.	
۵۵هزار بشکه در روز افزایش تولید در یک سال	
تولید نفت در مهر ۱۴۰۵ نسبت به مهر ۱۴۰۴، روزانه ۵۵هزار بشکه افزایش داشته است.	
۳میلیارد دلار سرمایه‌گذاری برای افزایش تولید	
برای اجرای طرح ضربتی افزایش روزانه ۲۵۰هزار بشکه‌ای تولید نفت خام، ۳میلیارد دلار سرمایه‌گذاری درنظر گرفته شده است.	
۱۳میلیارد یورو سرمایه‌گذاری در ۴میدان نفتی	
قراردادهای توسعه میدان‌های آزادگان، آذر، چنگوله و بندکرخه با مجموع سرمایه‌گذاری حدود ۱۳میلیارد یورو تنفیذ شده‌اند.	
۱۲۹ دکل حفاری دکل‌های فعال در کشور	
هم‌اکنون ۱۲۹دکل حفاری در کشور فعال است؛ علاوه بر آن، قراردادهای تمدید خدمات ۲۵دکل جدید به ارزش حدود یک میلیارد دلار منعقد شده است.	
۲۷۰ حلقه چاه هدف قرارداد دکل‌های جدید	
قرارداد خدمات ۲۰دکل جدید برای انجام عملیات حفاری و حفر ۲۷۰ حلقه چاه منعقد شده است.	
۸۰درصد منابع مالی طرح ضربتی افزایش تولید نفت از صندوق توسعه ملی و ۲۰درصد دیگر از منابع داخلی شرکت ملی نفت ایران تأمین می‌شود.	

۷ روز

محمودرضا طاهری، معاون ارزیابی سازمان ملی استاندارد ایران گفت: اجرای مصوبات کمیته اضطرار، میانگین زمان ترخیص کالا در کشور را از ۱۱ روز به حدود ۷ شبانه‌روز کاهش داد. به گفته او، تصمیم کمیته اضطرار در روزهای نخست جنگ ۱۲ روزه، جلوگیری از معطلی کالا در بنادر و گمرکات، همراه با تداوم کنترل و ارزیابی کیفیت بود.



← قیمت بلیت قطارهای مسافری همزمان با پیش‌فروش بلیت‌های آبان، ۲۰ درصد افزایش یافت. به‌گفته غلامحسین کریمی، معاون مسافری راه‌آهن، این افزایش با درخواست انجمن صنفی و تصویب ستاد تنظیم بازار با هدف جبران بخشی از افزایش هزینه‌های شرکت‌های ریلی اجرایی شده است.

پیش‌بینی اقتصادی برای پایان جنگ

مجید شاکری: تثبیت قیمت نفت در محدوده ۱۰۰ دلار می‌تواند فشار اقتصادی بر آمریکا را افزایش دهد

بهبودرنجبر روزنامه‌نگار مجید شاکری، کارشناس اقتصادی، در میزگرد اقتصادی تلویزیون همشهری با تشریح ابعاد اقتصادی تقابل ایران و آمریکا گفت: سرنوشت این جنگ بیش از آنکه به	نتیجه یک رویارویی نظامی وابسته باشد، به اثبات فشارهای اقتصادی و افزایش هزینه ادامه درگیری برای طرف مقابل بستگی دارد.او معتقد است با وجود فشارهای اقتصادی بر ایران، آمریکا نیز با ریسک‌هایی در بازار انرژی، بازار اوراق قرضه و
فضای سیاسی داخلی خود روبه‌روست. شاکری در عین حال با اشاره به نقش امارات در ایجاد مسیرهای جایگزین انتقال نفت، از تضعیف بخشی از اهرم ایران در تنگه هرمز سخن گفت و بر ضرورت بازنگری در شیوه مواجهه با تحولات منطقه تأکید کرد.	



اقتصاد آمریکا تحت فشار است

شاکری در ابتدای گفت‌وگو ر قابت ۲ کشور را به مسابقه تاب‌آوری تشبیه کرده؛ مسابقه‌ای که در آن هر چه زمان می‌گذرد و ۲ طرف به نقطه‌نهایی نزدیک‌تر می‌شوند فشار و مخاطرات افزایش می‌یابد.او در عین حال تأکید کرد که منظورش از فشار بر آمریکا نادیده گرفتن مشکلات اقتصادی و معیشتی داخل ایران نیست. به گفته او، همانطور که سیاستگذار ایرانی با محدودیت‌ها و فشارهای جدی مواجه است، سیاستگذار آمریکایی نیز با ریسک‌های اقتصادی و سیاسی روبه‌روست. شاکری وضعیت طرف آمریکایی را به حرکت یا پاهای برهنه روی زغال داغ تشبیه کرد.

چالش مهم در حفظ کنترل تنگه هرمز

شاکری با اشاره به ادعاهایی درباره ادامه صادرات نفت از مسیرهای جایگزین در منطقه گفت: مسئله اصلی، صرفا تعداد بشکه‌های نفت عبوری نیست، بلکه باید دید این مسیرها چه تغییری در منطق کنترل تنگه هرمز ایجاد می‌کنند.به تحلیل او، امارات با استفاده از سازوکار حمل‌ونقل نفتی و شناورهای کوچک‌تر، مسیری ایجاد کرده که حتی در صورت آسیب دیدن بخشی از شناورها نیز می‌توان آنها را جایگزین کرد. او در توضیح این سازوکار به نقش شرکت ملی نفت اوبلی، اندوک، اشاره کرد.از نگاه شاکری، این شیوه چند کارکرد برای امارات دارد. امکان جایگزینی شناورهای کوچک با هزینه کمتر، نمایش تداوم صادرات نفت و استفاده از آن در تعامل با آمریکا و سوق دادن تقابل با ایران به محدوده همین مسیر حمل‌ونقل.او معتقد است مسئله مهم‌تر از حجم نفت عبوری تغییری است که این مسیر در داشت داشته است. عامل دوم، بازگشت فشار به مسیرهای انتقال انرژی در منطقه بود. شاکری با اشاره به تحولات باب‌المندب، مسیرهای صادراتی عربستان و تنگه هرمز گفت: «از نیمه سپتامبر، فشار در تنگه هرمز بار دیگر افزایش یافت و قیمت نفت خام روند صعودی گرفت.» به تحلیل او، این افزایش قیمت برای آمریکا، به‌ویژه در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای، اهمیت سیاسی و اقتصادی دارد و به افزایش فشار بر کشورهای اروپایی برای آزادسازی ذخایر انرژی منجر شده است.با این حال، شاکری مهم‌ترین عامل را تحولات بازار اوراق قرضه آمریکا دانست. به گفته او، افزایش قیمت نفت با بالا رفتن بازده اوراق ۱۰ساله آمریکا همراه شده است؛ اما نکته مهم این است که با کاهش قیمت نفت، بازده این اوراق الزاما به همان نسبت پایین‌نماده‌است. شاکری این وضعیت را نشانه افزایش صرف ریسک در بازار می‌داند: «علاوه بر انتظارات تورمی، کسری بودجه دولت آمریکا و عدم اطمینان درباره آینده تورم نیز در این وضعیت نقش دارند. هنگامی که سرمایه‌گذاران درباره دامنه تغییرات آینده تورم اطمینان کمتری داشته باشند، برای پذیرش ریسک بلندمدت، بازده بالاتری مطالبه می‌کنند.» جمع‌بندی شاکری این بود که کاهش ی‌افزایش مقطعی قیمت نفت، به‌تنهایی برای قضاوت درباره میزان فشار اقتصادی بر آمریکا کافی نیست؛ زیرا اثر این فشار در بازار فرآورده‌ها، هزینه تأمین مالی و انتظارات اقتصادی نیز ظاهر می‌شود.او همچنین میان بالا رفتن قیمت نفت و حفظ قیمت در سطحی بالا تمایز قائل شد و گفت تداوم قیمت‌های بالا و افزایش عدم‌اطمینان دربرباره آینده بازار انرژی نیز می‌تواند هزینه‌های بیشتری به طرف مقابل تحمیل کند.

چرا فشار اقتصادی بر آمریکا همچنان ادامه دارد؟

شاکری در بخش دیگری از گفت‌وگو توضیح داد که به‌غم ایجاد مسیرهای جایگزین برای صادرات نفت در منطقه، فشار اقتصادی بر آمریکا از میان نرفته است. او برای توضیح این ارزیابی به تحولات بازار فرآورده‌های نفتی، بازگشت فشار به مسیرهای انتقال انرژی و افزایش بازده اوراق قرضه آمریکا اشاره کرد.

به گفته او، اختلال در ظرفیت پالایشی روسیه و به تعویق افتادن تعمیرات و نگهداری پالایشگاه‌های آمریکا، اثرهای متفاوتی بر بازار جهانی فرآورده‌های نفتی گذاشته است. شاکری معتقد است آمریکا به‌دلیل موقعیت خود در بازار فرآورده‌ها، در مقاطعی کمتر از برخی اقتصادهای دیگر تحت تأثیر فشار تعمیرات نیز هزینه‌هایی به همراه داشته است. عامل دوم، بازگشت فشار به مسیرهای انتقال انرژی در منطقه بود. شاکری با اشاره به تحولات باب‌المندب، مسیرهای صادراتی عربستان و تنگه هرمز گفت: «از نیمه سپتامبر، فشار در تنگه هرمز بار دیگر افزایش یافت و قیمت نفت خام روند صعودی گرفت.» به تحلیل او، این افزایش قیمت برای آمریکا، به‌ویژه در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای، اهمیت سیاسی و اقتصادی دارد و به افزایش فشار بر کشورهای اروپایی برای آزادسازی ذخایر انرژی منجر شده است.با این حال، شاکری مهم‌ترین عامل را تحولات بازار اوراق قرضه آمریکا دانست. به گفته او، افزایش قیمت نفت با بالا رفتن بازده اوراق ۱۰ساله آمریکا همراه شده است؛ اما نکته مهم این است که با کاهش قیمت نفت، بازده این اوراق الزاما به همان نسبت پایین‌نماده‌است. شاکری این وضعیت را نشانه افزایش صرف ریسک در بازار می‌داند: «علاوه بر انتظارات تورمی، کسری بودجه دولت آمریکا و عدم اطمینان دربرباره آینده تورم نیز در این وضعیت نقش دارند. هنگامی که سرمایه‌گذاران درباره دامنه تغییرات آینده تورم اطمینان کمتری داشته باشند، برای پذیرش ریسک بلندمدت، برای پذیرش ریسک بلندمدت، بازده بالاتری مطالبه می‌کنند.» جمع‌بندی شاکری این بود که کاهش ی‌افزایش مقطعی قیمت نفت، به‌تنهایی برای قضاوت درباره میزان فشار اقتصادی بر آمریکا کافی نیست؛ زیرا اثر این فشار در بازار فرآورده‌ها، هزینه تأمین مالی و انتظارات اقتصادی نیز ظاهر می‌شود.او همچنین میان بالا رفتن قیمت نفت و حفظ قیمت در سطحی بالا تمایز قائل شد و گفت تداوم قیمت‌های بالا و افزایش عدم‌اطمینان دربرباره آینده بازار انرژی نیز می‌تواند هزینه‌های بیشتری به طرف مقابل تحمیل کند.

شاکری در پاسخ به پرسشی درباره روابط ایران با چین و روسیه، بر ضرورت تفکیک این ۲ کشور تأکید کرد. به گفته او، نباید چین و روسیه را یک مجموعه واحد در نظر گرفت، زیرا منافع، ملاحظات و شیوه تعامل هر کدام با ایران متفاوت است.او همچنین هشدار داد که بسیاری از روایت‌های رسانه‌ای، چه درباره همکاری این ۲ کشور با ایران و چه درباره خودداری آنها از همکاری، پیچیدگی روابط دو جانبه را نادیده می‌گیرند.شاکری تأکید کرد: ارزیابی روابط خارجی باید براساس پرونده‌های مشخص و اطلاعات دقیق انجام شود و نباید به ۲ گزاره ساده‌شده محدود بماند: اینکه روسیه و چین از پشت پرده ایران خنجر زده‌اند یا اینکه قرار است همراه با ایران آمریکا را شکست دهند. از نظر او، واقعیت روابط ایران با این ۲ کشور پیچیده‌تر است و نیاز به تحلیل جداگانه دارد.او درباره اظهار نظر علنی درخصوص روابط با روسیه نیز احتیاط کرد و توضیح داد که طرح جزئیات چنین روابطی در رسانه‌ها ممکن است به واکنش طرف مقابل با افشای اطلاعاتی منجر شود که نباید در فضای عمومی مطرح شوند.

پایان این جنگ نظامی نخواهد بود

شاکری در مهم‌ترین بخش تحلیل خود تأکید کرد: «پایان این جنگ اقتصادی خواهد بود، نظامی نخواهد بود.» او برای توضیح این دیدگاه به‌بخان سوزن اشاره کرد و گفت: «پایان بحران را باید در محدودیت‌های اقتصادی و دشواری تأمین مالی ادامه جنگ نیز جست‌وجو کرد.» به روایت او، فشار بر اوراق قرضه بریتانیا و خودداری آمریکا از تأمین مالی موردنیاز این کشور، در تصمیم بریتانیا برای ادامه ندادن جنگ نقش داشت.شاکری بر همین اساس معتقد است ایران، حتی بدون خودداری از ابزار نظامی قاطع‌تر از طرف مقابل، می‌تواند از طریق اثبات ریسک‌ها و افزایش هزینه اقتصادی ادامه درگیری بر محاسبات طرف مقابل اثر بگذارد.او در همین زمینه به تنسلیس با حضور چند چهره سیاسی و رسانه‌ای غربی اشاره کرد که به گفته‌او، حاضران در آن بر اهمیت فشار اقتصادی تأکید داشتند و فشار نظامی را به‌تنهایی برای پایان دادن به درگیری کافی نمی‌دانستند.

کنترل فشار معیشتی؛ شرط مهم آینده

شاکری در جمع‌بندی معتقد بود دولت همچنان ظرفیت‌هایی برای کنترل فشارهای معیشتی و مدیریت بازار ارز در اختیار دارد و در بلندمدت نیز امکان یافتن مسیرهای جایگزین برای کاهش وابستگی به امارات وجود خواهد داشت. هر چند این جایگزینی زمان‌بر است. از نگاه او، کارشناسان پیش‌تر درباره خطر محاصره و ضرورت یافتن مسیرهای جایگزین هشدار داده بودند و توجه نکردن به این هشدارها می‌تواند هزینه‌های بیشتری به کشور تحمیل کند. پیام نهایی شاکری این بود که نتیجه تحولات آینده فقط به تصمیم‌های طرف مقابل وابسته نیست. توانایی ایران در مدیریت اقتصاد داخلی، کاهش فشار بر معیشت مردم و استفاده سنجیده از اهرم‌های اقتصادی و منطقه‌ای در تعیین مسیر آینده نقش تعیین‌کننده خواهد داشت.

نسخه شاکری برای کنترل فشار اقتصادی داخلی

شاکری معتقد است برای کنترل تورم باید کل‌های پولی و متغیرهای مقداری کنترل شوند اما برای مدیریت انتظارات کوتاه‌مدت، نرخ بهره کوتاه‌مدت نیز می‌تواند نقش داشته باشد.او گفت از برخی ابزارهای بانک مرکزی هنوز به اندازه کافی استفاده نشده است. او خواستار سرعت گرفتن اجرای سیاست کالابرگ برای دهک‌های پایین درآمدی شد. به گفته شاکری، هنگامی که رشد کل‌های پولی کنترل شده باشد امکان گسترش حمایت معیشتی و وجود دارد، بدون آنکه این اقدام الزام در کوتاه‌مدت به افزایش تورم منجر شود.او تأکید کرد که تمرکز این حمایت‌ها باید بر گروه‌هایی باشد که بیشترین فشار را از افزایش قیمت مواد غذایی و آشامیدنی تحمل می‌کنند.شاکری همچنین با اشاره به ذخایر طلای کشور معتقد است این ذخایر می‌توانند در تأمین مالی واردات و مدیریت فشارهای کوتاه‌مدت نقش داشته باشند.او درباره افزایش نرخ ارز نیز گفت که در مقطع کنونی قیمت ارز بیش از آنچه متغیرهای بنیادین اقتصادی توضیح می‌دهند، تحت تأثیر انتظارات قرار گرفته است.با این حال، شاکری تصریح کرد که هیچ‌یک از این ابزارها به‌تنهایی کافی نیست و سیاست ارزی باید در کنار کنترل متغیرهای پولی، مدیریت انتظارات و حمایت هدفمند از خنوارها اجرا شود.

پارک‌وی

پیشگامی شهرداری تهران در اقتصاد شهری مدرن با تورم صفر

رحمان سعادت، اقتصاددان و عضو هیأت علمی دانشگاه سمنان

یکی از موضوعات جذاب حوزه شهر، اقتصاد شهری است. نخستین‌بار در شیکاگو اقتصاد شهری مورد نظر قرار گرفت و خیابان به‌عنوان عنصر اصلی شهر از ماهیت مکانی به ماهیت اقتصادی هویت پیدا کرد. به موازات پیشرفت شهرها، اقتصاد شهری نیز موضوعیت بیشتری یافت و رشد کرد، به‌طوری که امروزه بدون توجه به اقتصاد شهر توسعه شهری ممکن نیست. این امر در کلانشهرها و پایتخت‌ها اهمیت دوچندان دارد. بخش مهمی از تعاملات شهروندان و شهرداری در قالب اقتصاد معنا پیدا می‌کند. هم شهروندان و هم شهرداران حقوق و وظایف متقابل دارند. سیاست‌های شهرسازی و مدیریت کسب‌وکارهای مستقر در شهر می‌تواند موتور محر که اقتصاد شهر و در سطح کلان اقتصاد کشور باشد. کلانشهرها و به‌ویژه پایتخت‌ها در مرکز جمعیت سرمایه‌های مالی و انسانی هستند. خواسته و ناخواسته نخبگان سیاسی، فرهنگی، ورزشی، علمی و اقتصادی در مرکز کشور تمرکز پیدا می‌کنند.

شهری مانند تهران درواقع قلب تپنده تحولات کشور است. در همین جنگ اخیر برخلاف جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بیشترین شهدا به‌ویژه شهدای نخبه از تهران بود. شهروندان تهرانی بیشترین آسیب روحی و روانی را از جنگ دیدند و با فشار ناشی از جنگ را متحمل شدند. لازم بود رنج پایتخت‌نشینان تا حدودی التیام یابد. طبیعتا شهردار به‌عنوان عالی‌ترین مقام شهری نسبت به تخریب‌ها و تهدیدهای داخلی و خارجی واکنش‌های مثبتی نشان داد. هم به لحاظ بازسازی خرابی‌های ناشی از حوادث دی‌ماه و جنگ اخیر کارنامه موفقی از خود نشان داد و هم در یک اقدام مثبت و پسندیده، حمل‌ونقل عمومی رایگان شد. صفر کردن هزینه حمل‌ونقل عمومی یعنی صفر کردن نگرانی‌های مردم برای جابه‌جایی در شهر و این یعنی درک شهروندان به وسیله شهرداران و شهردار تهران؛ اقدامی که آرامش پایداری به جامعه شهری به‌خصوص قشر کم‌درآمد جامعه داد (بیشتر مخاطبان و کاربران حمل‌ونقل عمومی از لحاظ درآمدی طبقه متوسط و متوسط به پایین هستند). شهرداری تهران به‌دور، در ایام انتخابات برنامه‌های اقتصادی ارائه داده بود، در شرایط نیاز مبرم کشور، یک اقدام مبتکرانه نیز انجام داد و آن صفر کردن تورم در کالاهای اساسی بود.



شهرداری از رایگان کردن حمل‌ونقل عمومی به سمت تثبیت قیمت کالاهای اساسی حرکت کرد. این برنامه می‌تواند تحولی مهم در اقتصاد شهری قلمداد شود و پتانسیل الگوسازی برای سایر کلانشهرها و شهرهای کوچک‌تر در ایران و حتی خارج از کشور را دارد. شهرداری مأموریت سازمانی در تقلیل هزینه‌های عمومی خانوار ندارد و این مهم برعهده دولت است اما پیام عمومی این اقدام نشان‌دهنده انسجام در قوای سه‌گانه و همچنین شهرداری است. شهرداری با این حرکت هم سرمایه اجتماعی بین دولت و مردم را افزایش داد و هم همکاری بین مقامات کشور را فزونی بخشید. برنامه پیشنهادی شهرداری تهران مورد اقبال رئیس‌جمهور و هیأت‌دولت قرار گرفت و آقای رئیس‌جمهور دستور داد در خصوص صفر کردن کالاهای مشمول کالابرگ نیز تورم صفر درصد مدنظر قرار گیرد.

آقای شهردار و آقای رئیس‌جمهور می‌توانند نماد همبستگی و همدلی ملی قرار گیرند و به‌نوعی مشکل دولت و شهر، مشکل کشور است و هر کسی و نهادی توان حل مشکلات را دارد باید کمک کند. بارهاریس‌جمهور از همه مدیران و نخبگان دعوت کرده برای رفع گرفتاری کلان کشور وارد میدان شوند و شهرداری لیکب گفت. برنامه وفاق ملی رئیس‌جمهور امروز در تعامل شهرداری و دولت مشهود است. آقای دکتر پزشکیان چندین‌بار از کمک‌های آقای دکتر می‌تواند فرصتی برای همدلی بیشتر باشد. کمک دولت برای اجرای تورم صفر درصد در اقلام اساسی تهران می‌تواند یک مقیاس کلانشهری مانند تهران یک پیشگامی در توسعه و اقتصاد شهری خواهد بود و حتی می‌توان در این خصوص برندسازی نیز کرد.

تهران با تورم صفر معیشت

لازم به‌ذکر است که تهران برای اجرای این برنامه توان مالی دارد. البته طبیعتا عملیاتی کردن طرحی به این وسعت حتما نقص‌هایی خواهد داشت. عارضه‌یابی این برنامه در مراحل مختلف می‌تواند هزینه‌های جانبی را به حداقل برساند و سفره مردم را در کنار حمل‌ونقل عمومی پایدار، آمن کند. امنیت اقتصادی در پایتخت می‌تواند جلوی طوفن‌های مختلف را بگیرد. عموما نیمه دوم سال فضای التهاب بیشتر است. مرور حوادث تلخ پایتخت در یک دهه گذشته نشان می‌دهد که مرکز آشوب و ناآرامی ریشه در مشکلات اقتصادی دارد. در صورتی که رضایت عمومی در اقتصاد خانوار حادث شود، رضایت شهری و ملی نیز به‌دست خواهد آمد. امیداست به‌زودی مردم طعم شیرین این برنامه شهری را بچشند و خیال آنها از تأمین سفره‌ها راحت باشد و در کنار تهران به‌عنوان شهر دوست‌داشتنی، شاهد تهران به‌عنوان شهر امن اقتصادی نیز باشیم.